

بررسی تطبیقی روش تبویب الکافی و صحیح بخاری

سید شعیب حیدر عابدی*

محمد حسین بهرامی**

چکیده

معمولاً هر کتابی در ساختار و محتوا دارای روش و سبک خاصی می‌باشد، مخصوصاً اگر مؤلف آن فردی برجسته و موضوع کتاب از اهمیت بالایی برخوردار باشد. شناخت روش تدوین کتاب برای استفاده از آن و پی بردن به مقصود واقعی مؤلف در بخش‌های مختلف کتاب بسیار ضروری است، جوامع حدیثی نیز دارای دو بُعد محتوا و ساختار می‌باشند و برجستگی این دو بُعد باعث می‌شود که یک جامع حدیثی معروف شده و بیشتر مورد تأکید و استفاده قرار گیرد. در پژوهش‌های قدیم حدیثی، بیشتر بُعد محتوای جوامع حدیثی مد نظر بوده و ساختار علی‌رغم اهمیت مورد کم‌توجهی قرار گرفته است. این پژوهش به صورت تحلیلی - توصیفی برخی ابعاد ساختاری دو جامع حدیثی مهم شیعه و اهم سنت را مورد بحث قرار می‌دهد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که طبقه‌بندی حاکم بر دو کتاب، تبویب اجمالی که نشان‌دهنده اسامی کتب، تعداد ابواب و تعداد احادیث، در برداشتن ابوابی به نام‌های نادر، تکرار احادیث و... می‌باشند و برخی از اشکالات قابل ذکر در تبویب این دو اثر عبارت‌اند از: وجود باب در غیر کتاب مربوط، وجود ابواب بدون نام، عدم تناسب کتاب با کتاب‌های پیشین و...

واژگان کلیدی: تبویب، الکافی، صحیح بخاری، حدیث، کلینی (ره).

* دانش‌آموخته دکترای قرآن و علوم (گرایش تربیت)، جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول)

shoaiheydarabedi@gmail.com،

** استادیار جامعه المصطفی العالمیه، mbahrami@noornet.net



مقدمه

یکی از ویژگی‌های مهم جوامع حدیثی، داشتن تبویب خوب است. تبویب یعنی نظم بخشیدن به محتوا و احادیث کتاب طبق موضوعات مطرح شده در آن. قرار دادن یک حدیث در بابتی و یک باب در کتاب متناسب، طبق موضوعات متنوع یک کار فکری و استدلالی است. محدث ابتدا باید به درستی به عمق محتوی حدیث پی ببرد و بعد موضوع اصلی و موضوعات فرعی را استخراج نماید و بعد طبق آن حدیث را زیر باب مناسبی قرار دهد. کتبی که طبق موضوعات، احادیث آن طبقه‌بندی شده‌اند برای مراجعه‌کننده کار را بسیار سهل می‌کند. یک پژوهشگری که می‌خواهد مثلاً در موضوع نماز کار می‌کند در یکجا می‌تواند همه احادیث مربوط به نماز را ببیند.

دسته‌بندی احادیث از روزگاران کهن، بیشتر به دو شکل در میان مسلمانان فراگیر بوده است
الف: روش مسندی؛ ب: روش موضوعی.

روش مسندی از سوی اهل سنت پرورش یافت و بسیاری از آنان کتاب‌های خود را بر این روش، پی افکندند. بیشترین اقبال محدثان تا عصر بخاری بر مسند نویسی استوار بوده است. شیعیان به روش دوم، گرایش نشان دادند. کلینی (ره) و بخاری هر دو، از علماء برجسته، مورد اعتماد و نامدار بین علماء عصر خود بوده‌اند. کلینی (ره) در سال ۳۲۹/۳۲۸ ق و بخاری در ۲۵۶ ق فوت کردند. حیات کلینی (ره) مصادف با عصر غیبت صغری است. در سال ۳۲۹/۳۲۸ ق به رحمت خدا رفت که در همان سال نایب چهارم امام زمان (عج) نیز وفات یافت. بخاری و کلینی نیز در کتب خود در تبویب هنر نمای کردند. در الکافی سی‌وشش کتاب و در صحیح بخاری صد کتب، در الکافی ۲۲۸۰ باب و در صحیح بخاری ۳۸۹۷ باب، در الکافی ۱۵۲۵۰ روایات و در صحیح بخاری ۷۲۹۱ روایت وجود دارد. البته روش تبویب اینان در کنار داشتن خوبی‌ها نقایص را نیز دارا است که مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

گفتار اول: ادبیات نظری تحقیق

۱. مفهوم تبویب

یکی از ویژگی‌های مهم جوامع حدیثی داشتن تبویب خوب است. تبویب یعنی «باب باب کردن کتاب و نوشته، تقسیم کردن کتاب به فصول» (معین، ذیل واژه). نظم بخشیدن به محتوا و احادیث کتاب طبق موضوعات مطرح شده در آن. قرار دادن یک حدیث در بابتی طبق موضوعات



یک کار فکری و استدلالی می‌باشد. اول محدّث باید به درستی به عمق محتوی حدیث پی ببرد و بعد موضوع اصلی و موضوعات فرعی را استخراج نماید و بعد طبق آن حدیث را زیر باب مناسبی قرار دهد. کتبی که طبق موضوعات، احادیث آن طبقه بندی شده‌اند برای مراجعه کننده کار را بسیار سهل می‌کند. یک پژوهشگری که می‌خواهد مثلاً در موضوع نماز کار می‌کند در یکجا می‌تواند همه احادیث مربوط به نماز را ببیند. بخاری و کلینی نیز در کتب خود در تبویب هنر نمای کردند. البته روش تبویب اینان در کنار داشتن خوبی‌ها، نقائصی را نیز داراست که مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۲. معرفی اصول کافی

الکافی (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۲۳۲) یک کتاب قدیمی حدیثی نسبتاً جامع است. در جمع‌آوری آن سعی شده که احادیث صحیح و متقن انتخاب گردد و تشنگان مشرب ناب اهل بیت (ع) را سیراب نماید. شبهات موجود در آن زمان نیز مورد توجه مؤلف بوده است. زحمات و وقت زیادی در تألیف آن صرف شده است. این کتاب در بیشتر جاها از تبویب خوب و منطقی برخوردار است. کافی دسته‌بندی خوب و نوآورانه‌ای دارد. همچنین مؤلف مقید به ذکر سند در تقریباً تمام روایات است.

کتاب الکافی از سه بخش: اصول، فروع و روضه تشکیل شده است. بخش اصول شامل هشت کتاب است. از امتیازات الکافی که ارزش آن را نسبت به دیگر مجامع حدیثی بیشتر نموده است؛ اختصاص منطقی دو جلد از الکافی در واقع بیست و پنج درصد حجم آن به مباحث کلامی، اعتقادی و اخلاقی و سپس ورود به مباحثی است که پس از روشن شدن احادیث اعتقادی مطرح می‌شوند.

بخش اصول آن، عبارت است از ابواب: العقل والجهل، فضل العلم، التوحید، الحجّة، الایمان والکفر، الدعا، فضل القرآن والعترة، در فروع، احکام فرعی دین مثل طهارت، نماز، روزه... آورده شده است؛ و روضه الکافی نیز احادیث متفرقه‌ای در موضوعات و حوزه‌های مختلف معرفتی و اخلاقی و تاریخی چون: رساله حضرت امام صادق (ع) صحیفه حضرت امام سجاد (ع) خطبه‌های حضرت امام علی (ع)، نامه‌های ائمه به بزرگان وسایل تفسیری و تأویلی جای داده شده است.

تعداد کتاب‌های الکافی را شیخ طوسی (ره) (طوسی، ۱۴۲۲، ص ۲۱۰) و نجاشی (نجاشی، ۱۴۱۸، ص ۳۷۷؛ خوئی، ۱۴۰۹، ج ۱۸، ص ۵۰) سی کتاب گفته‌اند که به خاطر یک کتاب شمردن دو یا سه کتاب، تعداد کتب از تقسیم‌بندی فعلی که ۳۶ کتاب است کاهش پیدا کرده است. کلینی (ره) در جمع احادیث، بسیار دقت داشته و برای تألیف این کتاب بیست سال تلاش نموده و آن را از اصول معتمد گردآوری فرموده و برای شناساندن روایات موثق به جمع کتابی در رجال پرداخت وی در عصر خود بثقة الاسلام معروف گشت. (شانه چی، ۱۳۷۲، ص ۷۵)

آیت‌الله خوئی در این زمینه می‌نویسد: «مهم‌ترین کتاب کلینی (ره)، الکافی است که بیست سال در تألیف آن صرف شد». (خوئی، ۱۴۰۹، ج ۱۸ ص ۵۰؛ نجاشی، ۱۴۱۸، ص ۳۷۷)

۳. معرفی صحیح بخاری

صحیح بخاری کتاب جامع حدیثی است که بر مبنای احادیث صحیح و مسند از رسول‌الله (ص) تدوین یافته و احادیث در آن بر مبنای موضوع گردآوری شده است.

صحیح بخاری بیشتر مطابق با کتاب‌ها و ابواب فقهی تبویب و تنظیم شده، ولی مطالب و ابواب دیگری نیز در آن وجود دارد؛ از جمله درباره آغاز خلقت، بهشت و دوزخ، پیامبران و بویژه پیامبر اکرم (ص) و تفسیر قرآن. از ویژگی‌های این کتاب، عناوین ابواب (تراجم ابواب) آن است که به عقیده شارحان کتاب (از جمله نووی و ابن حجر) نشان می‌دهد که مقصود بخاری صرفاً گردآوری احادیث نبوده، بلکه مراد وی بیان اصول، فروع، آداب و امثال ... بوده است. (ابن حجر، ۱۴۱۱، ص ۸)

گفتار دوم: بررسی تطبیقی روش تبویب

۱. داشتن مقدمه کتاب

یک کتاب به مقدمه‌ای نیاز دارد که در آن مؤلف ضرورت، روش، اهداف و... از نوشتن کتاب خود را توضیح می‌دهد. در الکافی، کلینی (ره) مقدمه‌ای نگاشته است که تا حدودی این سؤالات و مسائل دیگر آن زمان را برای ما روشن می‌کند (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۱، مقدمه) مقدمه گویای آن است که کلینی (ره) درصدد رفع چند مشکل بوده است که عبارت‌اند از: اختلاف اخبار که جمله "لا تعرف حقائقها لاختلاف الروایة فیها" نشان‌دهنده آن است، جامع و کافی بودن که جمله "انک تحب ان یکون عندک کتاب کاف یمجم [فیه] من جمیع فنون علم الدین" حاکی از آن است،



روایات صحیح که باید به آن‌ها حمل کرد که جمله "بالا" آثار الصحیحة عن الصادقین علیهم السلام " در مقدمه حاکی از آن است.

حال آنکه صحیح بخاری، بی‌هیچ مقدمه با «کتاب بدء الوحی» آغاز می‌گردد؛ و این که برخی از اهل سنت گفته‌اند: بخاری، حدیث (الاعمال بالنیات) را به جای خطبه در آغاز کتابش آورده تا نشان دهد که نیت وی خدای بوده (کرمانی، البخاری بشرح الکرمانی، ج ۱، ص ۱۴) قانع‌کننده نیست؛ زیرا برفرض که چنین باشد، این تنها نیت نویسنده را آشکار می‌سازد؛ ولی علت نگارش و روش وی در کتاب و بسیاری از موضوعات دیگر مرتبط با کتاب را از کجا باید فهمید؟

۲. نظام کلی طبقه‌بندی

کتاب الکافی که بزرگ‌ترین جامع متقدم امامیه است؛ به ترتیب زیبا و نوآورانه‌ای مرتب شده و دارای عناوین بسیار گویا و مناسبی می‌باشد. کلینی (ره) کتاب الکافی را به یک سری کتاب‌ها و هر کتاب را به ابوابی تقسیم نموده که این ابواب شامل احادیثی می‌شود که هر خواننده بنا بر نیازش به آن رجوع نموده و حدیث موردنظر خود را پیدا می‌کند.

کتاب الکافی در سه بخش کلی تقسیم شده است که عبارت‌اند از اصول، فروع و روضه. بخش اصول شامل هشت کتاب است. بخش دوم شامل بیست و هفت کتاب است و بخش سوم داری یک کتاب است.

در بخش اصول، اول مسائل اعتقادی قرار گرفتند. اهمیت مسائل اعتقادی نظیر توحید، نبوت، امامت ... و لزوم آشنای با آن‌ها قبل از هر امر دیگری شناخته می‌شود. از امتیازات الکافی که ارزش آن را نسبت به دیگر مجامع حدیثی بیشتر نموده است؛ اختصاص منطقی دو جلد از الکافی در واقع نزدیک بیست و پنج درصد آن به مباحث کلامی، اعتقادی و اخلاقی و سپس ورود به مباحثی است که پس از روشن شدن احادیث اعتقادی مطرح می‌شود.

در بخش فروع، به مسائل فقهی و احکام پرداخته شده است. بخش فروع در الکافی از یک نظم معنایی سود می‌برد. بدین ترتیب که نظیر کتب دیگر فقهی با طهارت آغاز می‌شود و با کتاب ایمان، کفارات و قسم به پایان می‌رسد. بخش پایانی که با بخش‌های اصول و فروع مرتبط است و ضلع سوم حیات انسانی را دربر می‌گیرد روضه می‌باشد.

در بخش روضه فقط یک کتاب وجود دارد. این کتاب دربرگیرنده روایات، خطبه‌ها، نامه‌ها، مواعظ و پندها در موضوعات گوناگون اعم از اخلاق، سیره و... می‌باشد با این تقسیم‌بندی کلی

زیبا، در واقع جلوگیری از خلط بین مباحث تاریخی، اعتقادی، اخلاقی و فقهی شده است و احادیث هر موضوع در موضوع خود قرار گرفته‌اند. روضه ابزار نیرومندی است که به یاری بخش‌های دیگری آید و این از یک نظم حاکم بر این کتاب حکایت می‌کند و این از ویژگی اختصاصی الکافی هست

صحیح بخاری نیز به یک سری کتاب‌ها و هر کتابی به ابوابی تقسیم شده است، ولكن فاقد یک نظام کلی طبقه‌بندی در سراسر کتاب است و این یک نقص برای این کتاب محسوب می‌شود.

اسامی کتاب‌های صحیح بخاری

اسامی کتاب‌های صحیح بخاری که صد تا کتب می‌باشند عبارت‌اند از:

کتاب بدء الوحي، الايمان، العلم، الوضوء، الغسل، الحيض، التيمم، الصلوة، مواقيت الصلاة، الاذان، صفة الصلاة، الجمعة، صلاة الخوف، العيدين، الوتر، الاستسقاء، الكسوف، كتاب سجود القرآن، كتاب تقصير الصلاة، التهجد بالليل، فضل الصلاة، العمل في الصلاة، السهو، الجنائز، الزكاة، الحج، العمرة، المحصر، جزاء الصيد، فضائل المدينة، الصوم، صلاة التراويح، فضل ليلة القدر، الاعتكاف، البيوع، السلم، الشفعة، الاجارة، الحوالات، الكفالة، الوكالة، المزارعة، المساقاة، في الاستقراض، الخصومات، في اللقطة، المظالم و الغصب، الشركة، الزهن، العتق، المكاتب، الهبة، الشهادات، الصلح، الشروط، الوصايا، الجهاد والسير، الخمس، الجزية، بدء الخلق، الانبياء (ع)، المناقب، فضائل اصحاب النبي (ص)، مناقب الانصار، المغازي، تفسير القرآن، فضائل القرآن، النكاح، الطلاق، العده، النفقات، الاطعمة، العقيقة، الذبائح والصيد، الاضاحي، الاشرية، المرضي والطب، الطب، اللباس، الادب، الاستئذان، الدعوات، الرقاق، القدر، الايمان والندور، كفارات الايمان، الفرائض، الحدود، المحاربين من اهل الكفر والرّدة، الدّيات، استتابة المرتدين و...، الاكراه، الحيل، التعبير، الفتن، الاحكام، التمني، اخبار الاحاد، الاعتصام بال و السنة، التوحيد.

۳. نظام معنایی در طبقه بندی

می‌توان با تأملی بین عناوین کتاب و ابواب الکافی یک نظام معنای و ارتباط معناداری را در بین برخی از این عناوین پی برد؛ و بین کتبی که در بخش‌های مختلف کتاب الکافی قرار دارد. هر یک از باب‌ها نیز با کتبی که زیرمجموعه آن‌ها هستند؛ ارتباط مستقیمی دارد و همچون دلیل و استدلالی برای آن کتب است.



به طور نمونه آغاز الکافی با کتاب (عقل و الجهل) است. عقل لزوم وحی و شریعت پیامبران را ثابت می‌کند؛ و از لحاظ منطقی جلوتر از وحی است. برخلاف صحیح بخاری که چنین دقتی در کتاب آغازین به کار نرفته و با کتاب (بدء الوحی) شروع شده است. این امر توجه کلینی (ره) در تنظیم صحیح بخش‌ها و چینش ابواب را نشان می‌دهد.

کتاب بعدی کتاب «فضل العلم» است که با مبحث عقل و جهل مرتبط است؛ و زمینه برطرف شدن جهل آدمی را فراهم می‌سازد. علم عقل انسان را تقویت می‌کند. پس از شناخت فضیلت عقل انسان باید دنبال علم بروید. از ابواب این کتاب می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: فضیلت علم، ثواب تحصیل، حق عالم، راه‌های تحصیل علم، آفات علم و موارد دیگر.

پس از کتاب فضل علم، کتاب توحید قرار دارد و از باب «حدیث عالم و اثبات محدث» آغاز می‌گردد که به خلقت موجودات توسط یک خالق اشاره می‌کند. در این کتاب به موضوعات مختلف توحید و شرک پرداخته شده است و به اقسام توحید از جمله توحید افعالی و توحید ربوبی سایر اقسام آن پرداخته شده است.

کتاب حجت ارتباط نزدیکی با مبحث توحید دارد. این مبحث ابزار محکم و مفید برای کتاب توحید است و برنامه‌های الهی راه رشد و تکامل انسان‌ها را که خدا صلاح دانسته به آن‌ها توسط سفیران الهی می‌رساند. باب اول «الاضطرار الی الحجة» علت نیاز انسان به پیامبران (ع) و انمه (ع) را توضیح می‌دهد.

کتاب بعدی، کتاب ایمان و کفر است که با کتاب پیشین مرتبط است. کتاب حجت از مباحثی است که به دنبال خود معتقدین و معاندین همراه می‌آورد؛ و اینجا لازم بود به خاطر مؤمنین که بعد از استعمال عقل رسیدن به معرفت و قبول کردن هادی از جانب خداوند متعال، مبانی و اصول و روش‌های راه انبیا و هادیان الهی برای آنان تبیین گردد تا سالکین را در باب عمل از شک و انحراف بیمه نماید.

در پایان الاصول من الکافی به «کتاب العشرة» می‌رسیم، کتاب عشره گویای این مطلب است که اسلام درصدد معرفی جامعه‌ای است که مسلمانان بر اساس الگوهای اسلامی عمل نمایند. چینش این کتاب بعد از مباحث عقل و علم و ایمان و دعا و قرآن و قبل از مباحث فروع، مطلوب به نظر می‌رسد که کتاب العشرة موضوعات مربوط به اخلاق و تعامل مؤمن با سایر مردم است که بعد از ایمان، بهترین کار رفتار خوب داشتن با انسان‌ها است و شاید اشاره به این نکته باشد که بدون ادا

حقوق مردم؛ حقوق خدا فایده‌ای نخواهد داشت برخی از مباحث آن عبارت‌اند از: حسن المعاشرة، التسليم، الاغضاء، اكرام الكريم، الجلوس، الدعاء والضحك و...

الكافی که روایات فقهی معصومین (ع) در آن گردآوری شده است جزءهای سوم تا هفتم را دربرمی‌گیرد. کلینی (ره) روایات این بخش را بر اساس کتب فقهی مرتب نمود نظیر کتاب طهارت، حیض، جنائز، صلاة، زكاة، صیام، و حج ...

دیدگاه مطرح در الفروع من الكافی، دیدگاه فقهی است که در همه ابواب و احادیث آن مگر در بخش اندکی از آن‌ها وجود دارد. بدون شک این باب بندی و تهیه این مجموعه گسترده از احادیث به سبب این است که کلینی (ره) در زمان خود یک فقیه نوآور بود. بعلاوه او از محدثین بزرگ قبل از خود به‌خوبی الگو می‌گرفت.

در برخی کتب و ابواب بخاری نیز همانند الكافی می‌توان یک نظام معنایی را پی برد. صحیح بخاری با کتاب "بدء الوحی" شروع شده است. تقدیم مبحث وحی بر دیگر کتب ممکن است به سبب آن باشد که منبع خیرات بوده و به کمک آن احکام دین بنا می‌شود و علوم شناخته می‌گردد. کتاب بعدی کتاب "الایمان" است. از آن‌رو که ایمان اشرف علوم است؛ در ابتدا آورده شد؛ پس از بیان کتاب‌های ایمان و علوم موضوع کار و تلاش بحث می‌شود؛ و از فعالیت‌های ارزشمند نماز است. از شروط اقامه نماز طهارت می‌باشد. بخاری اقسام طهارت را در کتاب‌های: وضوء، غسل و تیمم گنجانده است بعد از بیان مقدمات نماز به اصل نماز می‌پردازد.

در «کتاب الحج» یک همانندی میان این دو کتاب دیده می‌شود و آن این‌که هر دو بخشی از «کتاب الحج» را به موضوع صید در حج و احکام آن اختصاص داده‌اند کلینی (ره) ابواب صید را در داخل کتاب الحج گشوده است، ولی بخاری یک باب جداگانه به شماره ۲۸ بنام «جزاء الصيد» گشوده است. کار کلینی (ره) بهتر است. (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۳۷۵؛ بخاری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۴۷).

کتاب زکات قبل از کتاب حج آورده شد؛ زیرا نماز و زکات به ترتیب تکالیف بدنی و مالی محض می‌باشند درحالی‌که حج یک تکلیف بدنی مالی است.

کتاب صوم، ترک عمل نفس است. در کنار کتاب الصوم کتب مربوط به تراویح، لیلة القدر و اعتکاف چیش مناسب به نظر می‌رسد.



با توجه به این که یکی از اشکالات رایج به بخاری عدم نظام معنایی بین کتب آن است. به نظر می‌رسد تبویب بخاری دارای بخش‌های معنایی غیر مرتبط است. هرچند برخی کتاب‌ها یا باب‌ها با یکدیگر مرتبط‌اند ولی نگاه کلی در آن‌ها وجود ندارد.

نواقص در نظام معنایی در الکافی و صحیح بخاری: در هر دو کتب نواقص در نظام معنایی مشاهده می‌شود اگرچه این نواقص در صحیح بخاری بسیار بیشتر است نسبت به الکافی. اینک اول به ذکر چند نمونه اول از الکافی و سپس از صحیح بخاری می‌پردازیم:

در آخر کتاب الحجة در ابواب التاريخ راجع به خمس مطالبی بیان شده است که بهتر بود، این قسمت به بخش فروع در الکافی منتقل گردد که در آنجا درباره احکام پرداخته شده است. بهتر است باب تفکر از کتاب الایمان و الکفر به کتاب العقل منتقل گردد که جای مناسب آنجاست.

کتاب المعیشة را قبل از کتاب النکاح آوردن بهتر است؛ زیرا این اشاره به این نکته می‌کند که آدمی که می‌خواهد تشکیل خانواده بدهد از هرگونه تبلیی بپرهیزد و سعی کند از لحاظ مالی مستقل شود؛ و بعد اقدام به ازدواج بکند.

اکنون به برخی نواقص صحیح بخاری می‌پردازیم.

در صحیح بخاری: بخاری، «کتاب النفقات» را پس از «کتاب الطلاق» آورده است، در حالی که کلینی (ره)، ابواب مربوط به حق همسر بر شوهر را که نفقه، بخشی از آن است، در «کتاب النکاح» آورده است (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۵۰۹) و این چینش درست است، زیرا روشن است که موضوع نفقه، بیشتر با زندگی زنا شونی ارتباط دارد تا طلاق.

بخاری «کتاب التوحید (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۹، ص ۱۰۰)» را آخرین کتاب قرار داده است و کلینی (ره) آن را دومین کتاب؛ توحید خداوند، موضوعی اعتقادی است که جای آن پیش از اعمال و عبادات معاملات است، نه پس از آن؛ زیرا اعتقاد، پیش از عمل است، نه پس از آن. لذا چینش کلینی (ره) درست است.

کلینی (ره) موضوع رهن را در (کتاب المعیشة) (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۲۳۴) آورده و در همین کتاب نیز از شفعه و لقطه سخن گفته است. (همان، ص ۱۳۹) و روشن است که همه

موضوعات مربوط به کسب و کار و از جمله این موضوعات، زیرمجموعه موضوع کلی تر معیشت، یعنی روش زندگی و کسب روزی است.

از «کتاب بدء الخلق» یا آغاز شدن کتاب‌های غیر فقهی، خواننده گمان می‌برد که موضوعات فقهی، پایان یافته است؛ ولی پس از چند کتاب، بار دیگر برخی کتاب‌های فقهی از «کتاب نکاح» به بعد گشوده می‌شود. در این میان، ارتباط این دسته از کتاب‌های غیر فقهی که عبارت‌اند از: «کتاب بدء الخلق»، «کتاب احادیث الانبیاء»، «کتاب فضائل القرآن» با کتابهای «المغازی»، «کتاب التفسیر» و «کتاب فضائل القرآن». با کتاب‌های پیش و پس از آن یکسرگسته است. چنین گستگی وسیع در چینش کتاب‌های الکافی هر گز بچشم نمی‌خورد.

۴. استفاده از آیات قرآن مجید

کلینی (ره) در الکافی از آیات قرآن مجید بر مبنای مفاهیم استفاده نموده است، یعنی هر جا طبق موضوع به مناسبت، آیات را آورده است. وی هیچ کتاب یا بابی را به نام «تفسیر» اختصاص نداده است؛ در حالی که در صحیح بخاری «کتاب التفسیر» وجود دارد و ظاهراً به نظر می‌رسد این یک اشکال در الکافی تلقی بشود.

باید بگوییم مقایسه این دو کتاب از لحاظ در برداشتن چنین کتابی، درست نیست. از نام کتاب بخاری که «الصحیح» است برمی‌آید که قرار بود وی در کتاب خود از میان حدیث رسیده از رسول الله (ص) در هر موضوع، خواه با عقاید مرتبط باشد یا اخلاق، فقه، تاریخ، ادب اجتماعی، جنگ‌های آن حضرت (ص) داستان‌های انبیا، تفسیر قرآن یا دعا یا مناقب یا ... آنچه را صحیح و با سند پیوسته می‌دانسته، بیاورد.

روش کلینی (ره) تقسیم و تبویب کتاب بر مبنای مفاهیم بوده و نه شکل. به خاطر این نیامده برای این کار یک باب جداگانه برای روایات تفسیری باز کرده باشد. لذا این اشکال به الکافی وارد نیست. برای همین روایات تفسیری در لابه‌لای مباحث طبق نیاز موضوعی پراکنده‌اند. روایت‌های که به گونه‌ای با تفسیر آیه یا آیاتی از قرآن ارتباط دارند، در الکافی فراوانند و حجم آنان در مقایسه با روایت‌های «کتاب التفسیر» بخاری اگر بیشتر نباشد، باری از هیچ رو کمتر نیست. لذا، با توجه به هدف مؤلف الکافی در تقسیم‌بندی موضوعی احادیث و همچنین استفاده





تعداد بیشتر از آیات قرآن کریم در لابه‌لای موضوعات مختلف نسبت به بخاری این اشکال رد می‌گردد.

۵. تکرار احادیث

شیوه کلینی (ره) غالباً در الکافی بر عدم تکرار احادیث بوده است. ولیکن در بعضی جاها تکرار صورت گرفته است. این احادیث گاه در یک باب و گاه در چند باب تکرار می‌شود. به نظر می‌رسد در بیشتر جاها، این تکرار خالی از فایده نبوده است. تنوع موضوعات در متن واحد، موضوع واحد با متون متفاوت، رعایت اختصار، فایده سندی و غیره را می‌توان از قبیل این فواید برشمرد.

نمونه‌ای از این روایات: در کتاب الایمان و الکفر، باب من طلب عثرات المومنین و عوراتهم، احادیث شماره ۱، ۳، ۶ و ۷ دارای موضوع واحد در معنای اصلی یعنی "نهی از عیب‌جویی و پیگیری عیوب مؤمنان" مشترک‌اند؛ اما با اندکی اختلاف در سند و متن تکرار شده‌اند.

گاه حدیثی دارای چند بخش است که هر بخش آن مشتمل بر یک موضوع خاص است. هر بخش آن با توجه به موضوع آن و بجهت اختصار در باب خاص خود نقل شده است. مثلاً در «کتاب الحجّه»، «باب الاضطرار الی الحجّه» حدیث شماره ۲ آن، بخشی از حدیث شماره ۱۵ «باب فرض طاعه الائمه» است. سند هر دو یکی است. حدیث شماره ۱۵ کامل است ولی به خاطر داشتن دو تا موضوع، بخشی از آن در حدیث شماره ۲ در باب مربوطه نیز تکرار شده.

درعین حال، تکرار احادیث بدون فایده در الکافی بیچشم می‌خورد، هر چند نسبت به الکافی تعداد آن‌ها بسیار کم است. در ذیل نمونه‌ای از حدیث ذکر می‌شود که تکرار حدیث بی فایده به نظر می‌رسد: در کتاب الایمان و الکفر «بَابُ الْمِرَاءِ وَالْخُصُومَةِ وَمُعَادَاةِ الرَّجَالِ» حدیث شماره ۵ و ۹ تکرار است بدون اینکه فایده‌ای سندی یا متنی داشته باشد. این حدیث چنین است:

عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: "مَا كَادَ جَبْرَيْئِيلُ ع يَأْتِينِي إِلَّا قَالَ يَا مُحَمَّدُ اتَّقِ شَحَنَاءَ الرَّجَالِ وَعَدَاوَتَهُمْ."

در صحیح بخاری تکرار زیاد صورت گرفته است: به‌عنوان مثال حدیث «صحیفه علی رضی الله تعالی عنه» در کتاب الجهاد، کتاب العلم (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۱۸)، نیز در باب دیات، باب حرم المدینة، باب ذمة المسلمین، باب اثم من عاهد ثم غدر، باب اثم من تبرأ من موالیه و باب کراهة التعمق و التنازع فی الدین نقل شده است.

از نظر ابن حجر، جاهای زیادی این تکرار بی‌فایده نبوده است؛ و فوایدی از قبیل اختلاف سند، متفاوت بودن متن و استفاده موضوعات گوناگون از یک حدیث برای تکرار متصور است.
ابن حجر می‌نویسد:

در صورت تکرار یک حدیث در چند باب، بخاری آن را در هر باب با سندی خاص آورده مگر در جاهای معدود که در آنها نیز تکرار به دلیل فایده‌ای در سند یا متن حدیث بوده است. (ابن حجر، ۱۴۱۱، ص ۵۲۳)

مسئله تکرار زیاد احادیث، توجه خوانندگان صحیح بخاری را به خود جلب می‌کند. این احادیث گاه در یک باب و گاه در چند باب تکرار می‌شود، در شمارش ابن حجر، کتاب ۷۳۹۷ حدیث دارد که این رقم با حذف مکررات به ۲۶۰۲ حدیث تقلیل پیدا می‌کند. (حاجی خلیفه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۵۴۴)

۶. عناوین کتب و ابواب

وجود احادیث غیر متناسب با عناوین ابواب: کتاب الکافی با آنکه تعداد احادیثش نزدیک به شانزده هزار می‌رسد و در بیش از دو هزار باب تنظیم شده و چند برابر صحیح بخاری است ولی در آن حدیثی که غیر باب خود ذکر شده باشد یا بابی که در غیر کتاب مربوط به خود آمده باشد در آن بسیار کم است، جز بعضی از احادیث که عبارت است از: «عده من اصحابنا، عن احمد بن محمد، عن ابن محمد، عن يعقوب السراج قال كنا نمشي مع ابي عبد الله (ع) وهو يريد ان يعزّي ذا قرابة له بمولود له فانقطع شسع نعل ابي عبد الله (ع) فتناول نعله من رجله ثم مشى حافيا فنظر اليه ابن ابي يعفور فخلع نعل نفسه من رجله و خلع الشسع منها و ناوله ابا عبد الله (ع) فاعرض عنه كهينة المغضب ثم ابي ان يقبله ثم قال: الا إنّ صاحب المصيبة اولى بالصبر عليها فمشى حافياً حتى دخل على الرجل الذي اتاه ليعزّيه» (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۴۷۳)

در حدیث، حضرت به صبر در برابر ناملايمات و دشواری‌های زندگی اشاره می‌کند؛ لذا جای این حدیث، «کتاب الکفر والایمان، باب الصبر» است، نه «کتاب الزی والتجمل، باب احتذاء» نوع این حدیث، طوری است که باید انسان صبر کند و اگر می‌خواست در باب یا کتابی غیر از آن بیاورد، به‌طور مثال، می‌توانست در «باب السنة فی لبس الخف والنعل وخلقها بیاورد» (صادقیان، ۱۳۸۴، ص ۳۰۴)

مثال دوم: حضرت امام صادق (ع) فرمودند: «ان ابغض خلق الله عبد اتقى الناس لسانه.»



کلینی (ره) این حدیث را در کتاب الایمان و الکفر، باب «السفه؛ سفاهت» آورده است. ولی جایش در باب پس از آن یعنی «باب البذا؛ بدزبانی» بهتر بود.

هر کس با اولین مراجعه به کتاب الکافی منطقاً تقریباً کامل کلینی (ره) در باب بندی و آوردن احادیث متناسب با هر باب را متوجه می‌شود؛ اما در مورد بخاری این مطلب صحت ندارد، زیرا وی در چینش احادیث در کتاب و باب‌های موردنظر، دچار اشتباهات زیادی شده است که برای نمونه، به می‌توان به حدیث ذیل اشاره کرد:

مسح الغبار عن الناس فی السبیل: حدثنا ابراهیم بن موسی قال اخبرنا عبد الوهاب قال حدثنا خالد بن عكرمة ان ابن عباس قال له و لعلی بن عبد الله اثبتا ابا سعید فسمعا من حدیثه فاتیناه وهو اخوه فی حائط لهما یسقیانه فلما رأنا جاء فاجتبی و جلس فقال كنا ننقل لبن المسجد لبنة لبنة و كان عمار ینقل لبنتین لبنتین فمر به النبی (ص) و مسح عن رأسه الغبار وقال ویح عمار تقتله الفئة الباغية عمار یدعوهم الی الله و یدعونه الی النار. (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۴۱۵)

این حدیث، «کتاب الجهاد» و در ذیل عنوان یادشده و «کتاب الصلاة» «باب التعاون فی بناء المسجد» (کلینی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۵۳) نیز آمده است. به‌رحال، این حدیث، برای باب تعاون در بنای مسجد مناسب است و تکرار آن در اینجا با عنوانی که ملاحظه می‌شود، نامناسب است بهتر بود که این حدیث، در مناقب عمار و یا مناقب علی (ع) تکرار شود زیرا عمار در جنگ صفین، در حالی که در سپاه حضرت علی (ع) بود، به شهادت رسید. البته جای آن در این کتاب هم مناسب است فقط عنوان اصلاً مناسب نیست.

انتخاب عنوان باب‌های رابطه احادیث و آیاتی: یکی دیگر از روش‌های قابل توجه کلینی (ره) و بخاری در انتخاب عنوان باب‌های رابطه احادیث و آیاتی که با آن‌ها مطابقت می‌کند، توجه نمودن تا آنجا که گاه برخی از عناوین از قرآن کریم گرفته شده است نظیر باب «...ومن دخله کان آمناً...» (آل عمران/ ۹۷) «...ولکن لا تواعدوهن سراً...» (بقره/ ۲۳۵) و «...لا تضاروهن لتضیقوا علیهن...» (الطلاق/ ۶) در الکافی و برخی از ابواب کتاب توحید عبارت‌اند از: قول الله «...ادعوا الله او ادعوا الرحمن...» (اسراء/ ۱۱۰) قول الله «...ان الله هو الرزاق...» (الذاریات/ ۵۸) قول الله تعالی: «وجوه یومئذ ناضره الی ربها ناظره» (قیامت/ ۲۲-۲۳) در صحیح بخاری نام برد.

در برداشتن ابوابی به نام‌های نادر و نوادر: از نقاط قوت الکافی آن است که کلینی (ره) در کنار موضوع بندی قوی خود باب‌هایی با عنوان نادر و نوادر گذاشته که مطالب متفرقه که در سایر ابواب

نمی‌گنجد را در آن سامان دهد. «نوادری» جمع «نادره» است. کتابی است که در آن احادیث متفرقی که به واسطه ای کمی و قلت، تحت عنوان بابی قرار نمی‌گیرد، جمع‌آوری شده باشد " (مدیر شانه، ۱۳۷۲، ص ۲۲۱) و این یک ویژگی اختصاصی الکافی است که صحیح بخاری فاقد آن است.

وجود ابواب بدون حدیث: در صحیح بخاری ابواب نیز بچشم می‌خورد که بدون حدیث می‌باشند. در یک کتاب حدیثی که مبنای آن جمع‌آوری احادیث است نباید باب بدون حدیث باشد. به طور نمونه چند ابواب که بدون حدیث می‌باشند نقل می‌شوند:

کتاب الزکاة (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۰۲، ۶۰۵ و ۶۱۰): باب ش. ۸۹۶، ۸۹۷، ۹۰۳ و ۹۱۳؛ کتاب التفسیر (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۱۰ و ۴۲۲): باب ش. ۳۵۴ و ۳۶۸

وجود باب‌های بی‌عنوان:

در الکافی باب‌هایی بچشم می‌خورد که بدون عنوان می‌باشند:

در کتاب زکات دو باب وجود دارد که عنوانی برای آن‌ها انتخاب نشده است و در کتاب حج سه تا باب به شماره ۶۵، ۲۲۶ و ۲۳۵ وجود دارند که بدون عنوان هستند. دو باب اخیر از ابواب زیارت‌اند. این سه تا ابواب جمعاً یازده‌تا روایت را در بر می‌گیرند. همچنین در کتاب النکاح باب شماره ۱۳۳ و ۱۹۲ بدون عنوان هستند.

در صحیح بخاری ابواب بسیار زیادی نسبت به الکافی، بچشم می‌خورد که بدون عنوان می‌باشند. به طور مثال به چند نمونه او ابواب بدون عنوان در صحیح بخاری (بخاری، ۱۴۰۷، ذیل ابواب) اشاره می‌شود:

در کتاب الایمان باب شماره ۱۱ و ۳۹؛ در کتاب العلم باب ش. ۵۰؛ در کتاب الوضوء باب ش. ۹۷، ۱۱۱ و ۱۳۸؛ در کتاب الحيض باب ش. ۲۳۳؛ در کتاب التيمم باب ش. ۲۴۱؛ در کتاب الصلوة باب ش. ۳۲۰ و ۳۳۹؛ در کتاب صفة الصلاة باب ش. ۴۸۳ و ۵۱۹؛ در کتاب الجمعة باب ش. ۵۶۳ که سه تا حدیث دارد؛ در کتاب التهجد باللیل باب ش. ۷۳۶؛ در کتاب العمل فی الصلاة باب ش. ۷۶۰؛ در کتاب الجنائز باب ش. ۸۱۹؛ در کتاب الزکاة باب ش. ۸۹۵؛ در کتاب الحج باب ش. ۹۷۶؛ در کتاب فضائل اصحاب النبی (ص) باب ش. ۳، ۷، ۲۲ و ۲۹؛ در کتاب تفسیر القرآن باب ش. ۴۱۸؛ در کتاب النکاح باب ش. ۵۶ و ۸۸؛ و در کتاب الاطعمه باب ش.

۲۳۳ و در ...



نتیجه

تبویب یعنی باب کردن کتاب و نوشته، تقسیم کردن کتاب به فصول. احادیث معصومین(ع) در کنار قرآن مجید و احادیث نبی (ص) دارای اهمیت و اعتبار هستند بلکه تمسک به آن واجب است و ترک آن موجب بازخواست پروردگار قرار می گیرد.

پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) از ابتدا، اهتمام ویژه نسبت به نشر، کتابت و تدوین حدیث داشتند. سیر تکاملی حدیث در این زمینه در شیعه بدون توقف ادامه داشته است. ولکن در اهل سنت با نشیب و فرازهای زیادی رو به رو بوده است تا جای که حدود صد سال کار نوشتن حدیث کاملاً تعطیل شد.

احادیث به صورت تدریجی از نوشته های پراکنده به کتب و سپس به جوامع، جمع آوری و تدوین شدند. عوامل گوناگون در شکل گیری جوامع بی تاثیر نبوده است. این عوامل عبارتند از گسترش احادیث جعلی، خلط بین احادیث دروغین و صحیح، عدم حل تعارض برخی احادیث برای مردم عادی، نبودن کتابی که همه موضوعات مورد نیاز یک مسلمان را برآورده کند و کمبود کتب موضوعی حدیثی.

لذا، علماء برای برطرف کردن نیازهای مسلمانان دست به نگارش کتب و جوامع حدیثی زدند، در این میان در اهل سنت، محمد بن اسماعیل بخاری با مهیا کردن "الصحیح" و در شیعه، محمد بن یعقوب الکلینی (ره) با مهیا کردن "الکافی" برجسته نمونه های هستند که از این مسئولیت برآمدند. این دو کتاب به خاطر قدیمی بودن و اقبال چشم گیر علماء به آن در طول زمان، برای پژوهش قرار گرفتند.

شیوهای تبویب الکافی و صحیح بخاری از لحاظ مقدمه کتاب، نظام کلی طبقه بندی در سراسر کتاب، نظام معنایی در طبقه بندی، استفاده از آیات قرآن مجید، تکرار احادیث و عناوین کتب و ابواب بررسی شد، مشخص گردید که کتاب الکافی در بسیاری از این جهت برتری دارد، در الکافی به صورت هنرمندانه تبویب انجام شده است، تبویب الکافی به ترتیب منطقی، استدلالی است و بر نظام معنایی عمیق فلسفی، فقهی استوار است، یک نظم کلی در سراسر کتاب قابل مشاهده است که صحیح بخاری فاقد این نظم است.

فهرست منابع

قرآن مجید

۱. ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی، هدی الساری مقدمة فتح الباری بشرح صحیح البخاری، تحقیق وتصحیح: عبد العزیز بن عبد الله بن باز، دار الفکر، بیروت، لبنان، ۱۴۱۱ ق.
۲. بخاری، ابو عبد الله اسماعیل بن ابراهیم الجعفی، صحیح البخاری، شرح و تحقیق: قاسم الشماعی الرفاعی، دار القلم، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۳. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبد الله، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
۴. الحائری المازندرانی، ابو علی محمد بن اسماعیل، منتهی المنقال، مؤسسة آل البيت (ع) لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۶ ق.
۵. خوئی، ابو القاسم الموسوی، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة منشورات مدینة العلم آية الله العظمی الخوئی، قم، ۱۴۰۹ ق.
۶. شانه چی، کاظم مدیر، علم الحدیث و درایة الحدیث، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۲ ش.
۷. صادقیان، ناصر، بررسی تطبیقی و تحلیلی صحیح بخاری و کتاب کافی، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: پرویز رستگاری جزئی، دانشگاه کاشان، ۱۳۸۴ ش.
۸. الطوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، الفهرست، تحقیق: جواد القیومی، موسسه نشر الفقاهة، ۱۴۲۲ ق.
۹. فرزند وحی، جمال، پژوهشی تطبیقی بین صحیح بخاری و الکافی، پایان نامه دوره دکتری الهیات، معارف اسلامی و ارشاد، استاد راهنما، مجید معارف و کامران یزدی، دانشگاه امام صادق (ع) تهران، ایران، زمستان، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. کاظمی، سید حسن الصدر، نهاية الدراية في شرح الوجيزة للشيخ البهائي، تحقیق: ماجد الغرباوی، نشر المشعر، بی تا.
۱۱. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی (الاصول، الفروع والروضه)، تحقیق شیخ محمد جواد الفقیه، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. کنگره بین المللی ثقة الاسلام کلینی (ره)، مجموعه مقالات فارسی کنگره بین المللی ثقة الاسلام کلینی (ره)، دار الحدیث، قم، ۱۳۸۷ ش.

١٣. نجاشى، احمد بن على، رجال النجاشى، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين
بقم، تحقيق السيد موسى الشبيرى الزنجانى، ١٤١٨ ق.

نرم افزارها

١٤. جامع الاحاديث (٣).

١٥. جامع التفاسير.

١٦. گنجينه روايات نور.

١٧. معجم الفقهى (الاصدار الثالث).

١٨. المكتبه الشامله.